

معرفی کتاب:

DICTIONNAIRE MARX CONTEMPORAIN,
Sous la direction de Jacques Bidet et
d'Eustache Kouvélakis, PUF, Paris 2001

پانورامای مارکسیسم

کارل هنوز هم نمرده است

از ۱۸۸۳ تا کنون چند بار خوب است از سر شادی یا از سر نومیدی مرگ مارکس را اعلام کرده باشند؟ با وجود این، اگر از دریچه نشر کتاب هایی که پشت شیشه کتابفروشی هاست بخواهیم داوری کنیم ارجاع به آثار مارکس به نحوی شگفت انگیز زنده و فعال باقی مانده است. شاهد آن فرهنگ مارکس معاصر است که زیر نظر ژاک بیده و اوستاش کوولاکیس، به تحلیل تغییر و تحولات چند دهه اخیر پرداخته است. البته اصطلاح «فرهنگ»، به عنوان نام، برای این کتاب چندان مناسب نیست، زیرا مقالات به ترتیب الفبائی تنظیم نشده اند، بلکه بیشتر نوعی پانوراما یا تصویر جامع از «اشکال گوناگونی است که از طریق آن ها ارجاع [به مارکس] بحث های تئوریک سه دهه اخیر را برانگیخته و همچنان بر می انگیزد».

این تغییرات که در بخش نخستین کتاب مورد مطالعه قرار گرفته هم نظم ژئوپلیتیکی دارند هم مضمونی. در حالی که از پایان جنگ جهانی دوم تا نیمه سال های ۱۹۷۰، مارکسیسم در اروپای جنوبی و آمریکای لاتین مرحله شکوفایی خود را می گذراند، طی دو دهه پس از آن، مرکز ثقل خود را به نحوی غیر منتظره به دنیای آنگلو ساکسون منتقل کرده است. این امر باعث شده که اشکالی ابداعی از مارکسیسم رخ بنماید، مانند مارکسیسم تحلیلی که به ویژه آکس کالینوکوس در مقاله خود بدان پرداخته، یا پروبلماتیک های دگراندیشانه ای مانند «سوسیالیسم بازار» که تونی آندره آنی آن را مورد تأمل قرار داده است. در این کتاب، مارکسیسم این فرصت را به دست آورده است که با زمینه های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی نوین

رو در رو شود و به پدیده‌هایی توجه کند که به طور معمول بیرون از حوزه تأملات اش قرار داشته‌اند مانند خشونت نژادپرستانه، سلطه جنس مذکر یا بحران زیست-محیطی.

بخش دوم کتاب تحت عنوان Configurations (پیکربندی‌ها) که از نظر حجم مهمترین قسمت کتاب را شامل می‌شود، بی‌تردید ابتکاری ترین مطالب آن است. این قسمت «فصل‌های ممیز» مارکسیسم را با [طرف‌های] دیگرش» کشف می‌کند، یعنی فرآیندی که ارجاع به مارکس توسط آن، اغلب به طور ضمنی و حتی ناخودآگانه، یک سلسله کامل از جریان‌های تئوریک و سیاسی معاصر را به مهر خود نشان می‌زند؛ و به طور متقابل آشکار می‌کند که چگونه همین جریان‌ها به نوبه خود مارکسیسم را تغذیه کرده بر حرکت آن تأثیر نهاده‌اند. به همین روال است که تلاقی‌های گاه‌مخاصمه‌آمیز و گاه تأثیرپذیر بین مارکسیسم و زیست-محیطی، بین مارکسیسم و فمینیسم، بین مارکسیسم و مرحله‌پسا استعماری، بین مارکسیسم و الاهیات‌رهایی بخش و غیره مورد تأمل و مذاقه قرار گرفته‌اند. از مجموع مباحث این نتیجه بر می‌آید که هیچ جنبه‌ای از تحولات و دگرگونی‌های دنیای معاصر نمی‌تواند از مارکسیسم بیگانه باشد، هرچند خود برای پرداختن به آن‌ها، همواره در بهترین موقعیت قرار ندارد. میراث مارکس نشان داده که پربار است ولو تاوان آن کنار گذاردن رؤیا (یا کابوس) هر گونه قشری‌گری باشد.

بخش سوم کتاب موشکافانه بررسی می‌کند که ارجاع به مارکس شماری آثار برجسته و مؤثر تئوریک را دربر می‌گیرد که نویسندگان آن‌ها به این یا آن نحو مروج مارکسیسم بودند (مانند لویی آلتوسر یا هانری لوفور) یا از آن فاصله گرفتند (مانند میشل فوکو، ژیل دولوز یا پی‌یر بوردیو). انتخاب آثار مربوطه که طبعاً به سلیقه مؤلفان صورت گرفته نشان نوعی اروپامحوری را بر خود دارد (تنها یک مقاله به یک نویسنده غیر اروپایی تعلق دارد، اقتصاددان ژاپنی کوزو اونو)، آن‌هم درست در کتابی که انتظار می‌رود سعه صدر بیشتری از خود نشان دهد تا «جهان-شدن» (devenir-monde) اندیشه مارکس را بازتاب دهد.

فرهنگ مارکس معاصر در پایان با ارائه فهرست گسترده‌ای از کتاب‌شناسی، به ویژه با لیستی از نشریات دوره‌ای در سراسر جهان که با آثار مارکس سر و کار دارند، این نقش را به خوبی ایفا می‌کند که وسیله کار در دست کسانی باشد که

قصد دارند به پژوهش خود برای درك جهان معاصر ادامه دهند تا بتوانند آن را به
سوی رهایی تغییر دهند.

(لوموند دیپلوماتیک، اکتبر ۲۰۰۱)